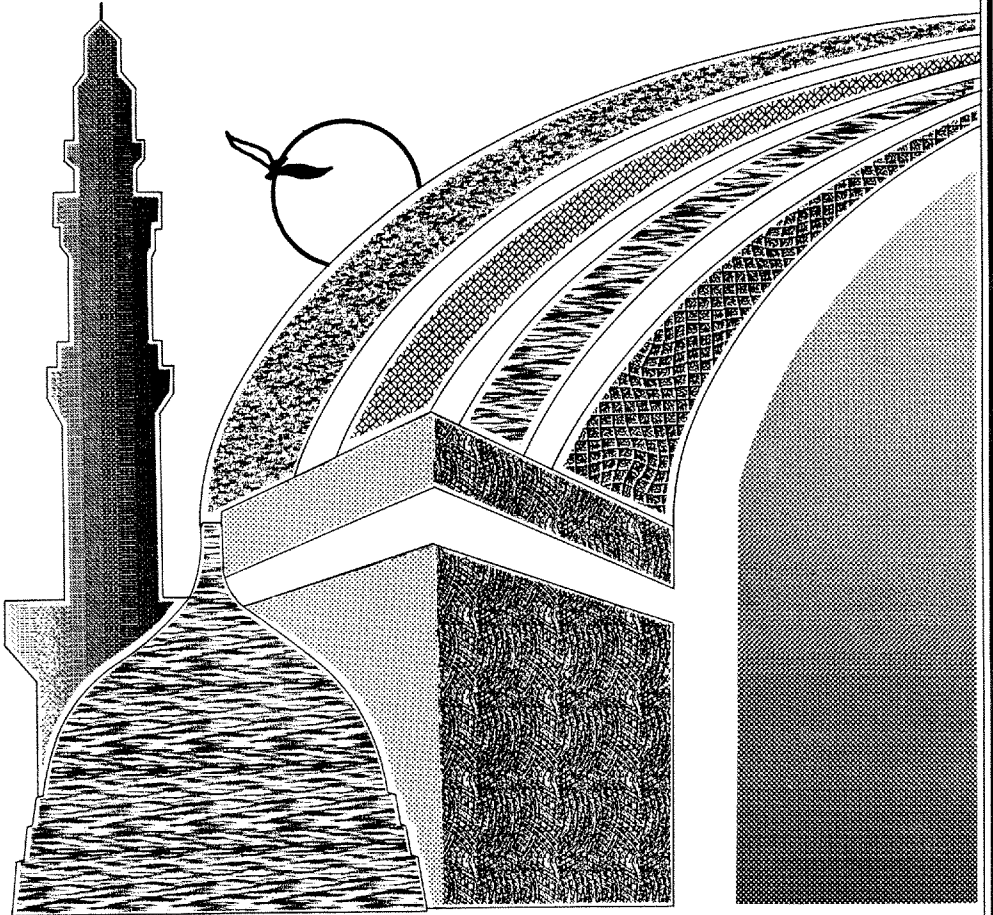


نقد و معرفی کتاب



معرفی کتاب: شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام



تقی‌الدین محمد الفاسی / ترجمه: سید محمد باقر حجتی

شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام از تقی‌الدین محمد الفاسی یکی از آثار بسیار ارزشمند تاریخ شهر مکه است. به دلیل اهمیت این کتاب، از استاد سید محمد باقر حجتی درخواست شد، تا برای معرفی این اثر، به ترجمه مقدمه این کتاب بپردازند.

آنچه در پی می‌آید حاصل تلاش انجام شده توسط استاد است:

خدای را بر این نعمتش سپاس می‌گویم که جوار خانه پاک خود را بر من ارزانی داشته است و از او درخواست می‌کنم تا وقتی که مرا به خاک می‌سپارند این جوار را مستدام بدارد.

وشهادت و گواهی می‌دهم: هیچ معبودی جز خدای یگانه‌ای، که او را انبازی نیست، سزای پرستش نمی‌باشد، خدایی که مکه و پیرامون آن را به عنوان «حَرَم» مقرر فرموده و با آب «زمزم» از خوراک بی‌نیاز ساخته،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ
[و به نستعین] رَبِّ يَسِّرْ وَأَعِن (بجاه عروس
القيامة والدين القويم).^۶

الحمد لله الذي جعل مكة المشرفة
أعظم البلاد شأنًا؛ وصيرها محلاً مباركاً،
وأجزل للمتقربين فيها العطية، وكم لها في
الفضل مزية؛ لأن فيها البيت الحرام، الذي
هو للناس مثابة وقوام، المغفور لمن حجّه أو
طاف به من البرية، ما اقترفه من الخطية.

* درباره اخبار و اطلاعات مربوط به ساخت بنای کعبه معظمه و زیورها و آویزه‌ها و هدایایی که به کعبه ارمغان شده و پرده و پوشش آن.

* اخبار مربوط به ساخت بنای مسجدالحرام و بنای مقام ابراهیم علیه السلام و حجر اسماعیل علیه السلام و موضع زمزم و سقایت عباس بن عبدالمطلب علیه السلام و منبرهای مسجدهالحرام و مطاف و مقامات پیشوایان دینی و زمان شروع آنها برای اقامه نماز در آن.

* ساختن اماکن متبرکه در مکه مشرفه که عبارت از مساجد آن است. و گویند پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در آنها نماز گزارده است و اخبار مربوط به ولادت آن حضرت و نیز ولادت سرور ما علی بن ابی طالب علیه السلام، و مواضع و مراکز دیگری که در مکه به عنوان «زادگاهها» معروف است، و خانه‌های فرخنده و مبارک مکه؛ از قبیل خانه ابی بکر و ام‌المؤمنین خدیجه دختر خویلد و خانه ارقم بن ابی ارقم مخزومی که به «دار الخیزران» نامبردار است.

* ساخت و بنای مساجد مبارکی که در بیرون مکه بنیاد شده؛ از قبیل «مسجد البیعه» که رسول خدا صلی الله علیه و آله با انصار نزدیک عقبه منابعت منعقد ساخت و «مسجد خیف» در منا و جز آنها؛ مساجدی که در منا بنا شده و مسجد عایشه که بعد از حج در تنعیم از آنجا برای عمره محرم گشته است.

و آن را مایه شفای بیماری قرار داده است. وشهادت می‌دهم سرور ما محمد صلی الله علیه و آله برترین کسی است که بر «حجرالأسود» بوسه زد و در طواف پیرامون کعبه، گام‌هایش با رمل‌ها و شن‌های اطراف کعبه انس و تماس برقرار ساخت و در پس مقامی که در آن پای ابراهیم خلیل نقش و نگاره‌ای به جای نهاد، نماز گزارد و توفیق وقوف در عرفات و مشعر نصیب او گشت.

درود خدا بر او [و خاندانش] تا گاهی که همواره جمرات را با سنگریزه‌ها نشان می‌روند، و خواهندگانِ خداجو در «ملتزم» و «مستجار» به درگاه پروردگار، زاری می‌آورند و تا وقتی که مُحرم، میان صفا و مروه کوشش خود را برای سعی به کار می‌گیرد. خدا از آل و خاندان [گرامی] و یارانش، که بزرگداشت آنان فرض و واجب است، خوشنود باد.

اما بعد: چون خداوند متعال توفیق اشتغال به علم شریف دینی را نصیبم ساخت غالباً این اشتیاق را در قلبم احساس می‌کردم که آنچه پس از ابی‌الولید محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن ولید بن عقبه بن ازرق بن ابی‌شیمر غسانی ازرقی مکی، مؤلف «اخبار مکه» روی داده درباره مطالبی [که از این پس یاد می‌کنیم] گزارشهایی را بنگارم:

به عمل آورید.»

آنگاه به نظرم رسید که شایسته است آنها را به گونه‌ای سامان یافته و مرتب فراهم آورم و از تاریخ ابی‌الولید ازرقی در جایگاههای مناسب اطلاعاتی را بدانها ضمیمه کنم؛ چون فواید و عواید کتابم با چنین کاری کاملتر می‌گردد، این کار را انجام دادم و احادیث و آثاری را در فضایل کعبه و اعمال مربوط به آن و نیز دربارهٔ حجرالأسود و رکن یمانی و خودِ حَجَر و مقام و مسجدالحرام و مکه و حرم و زمزم و مواضع متبرکهٔ دیگر در مکه و حرم آن - که ابوالولید ازرقی یاد کرده است - مطالبی را افزودم. و مطالب مفید فراوانی را - که ابوالولید ازرقی آنها را نیابده است - بدان پیوستم؛ پاره‌ای از این مطالب را که ازرقی به جمع آن اهتمام ورزیده و پاره‌ای دیگر که مورد توجه ازرقی قرار نگرفته است.

آنچه که ازرقی مورد عنایت و اهتمامش بوده عبارت از احادیث نبوی و آثاری از صحابه و آثار پیشینیان و اخبار مربوط به دوران جاهلی است که به مکه و مردم و پادشاهان آن و جز آنها پیوند می‌خورد. و آنچه را که به جمع آن اهتمام نورزیده عبارت است از مسائل فقهی و حدیثی و اطلاعاتی که به مکه و حرم آن مربوط می‌گردد؛ از قبیل مدرسه‌ها و

* ساخت و بنای نشانه‌های حدودِ حرم و جایگاههای شعائر حج و عمره که عبارت است از صفا و مروه و مشعرالحرام و جز آنها.
* کارهایی که پس از عصر ابی‌الولید ازرقی^۷؛ از قبیل اوقاف طلاب علم و فقها و جز آنها؛ از قبیل رباطها و مدارس و غیر آنها و تاریخ وقف آنها.
* گزارش مربوط به بارانها و سیل‌هایی که در مکه روی داده است.

برای همهٔ این مطالب راههای خوب و جالبی را شناسایی کردم که پاره‌ای از آنها را از کتب تاریخ، و بخشی از آنها را از سنگ نبشته‌ها و چوبهایی که این مطالب در آنها ثبت و کنده‌کاری شده و در اماکن یاد شده برجای مانده است و پاره‌ای از مطالب این کتاب را از اخبار و گزارشهای افراد قابل اعتماد به دست آوردم. و قسمتی از آنها را رؤیت کرده‌ام و همهٔ آنها به خاطرم سپرده شده و پیوندی با آنها برقرار ساخت. من این مطالب را در اوراقی پراکنده بدون هیچ ترتیب و ساماندهی - از بیم آن که مبدا دستخوش نسیان و فراموشی گردند - یادداشت کردم؛ چرا که از ابی‌حمزه انس بن مالک انصاری، خادم رسول خدا ﷺ روایت شده که می‌گفت:

«يَا بَنِي قَيْدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ»

«فرزندان من! علم را به وسیلهٔ کتابت و نگارش به بند درآورده و از آن صیانت



ریاطها^۸ و جز آنها.

اطلاعاتی را که از اخبار و گزارشهای مربوط به والیان مکه - که بر سبیل اجمال آمده - و گزارشهای اسلامی مربوط به مکه و مردم و والیان آن و نیز حُجَّاج به دست آوردم و بسیاری از این گزارشها را از زرقی یاد کرده، چنانکه پاره‌ای از مآثر و شماری از مسائل فقهی را آورده است. این بخش از آن دست مطالبی است که غالباً جالب و شایان توجه است؛ زیرا بیشتر این بخش در هیچ کتابی نیامده،^۹ و بخردان را بدان شوق و علاقه‌ای وافر است. و بر این بخش نیز آنچه را که دربارهٔ ساخت کعبه و مسجدالحرام و اماکن آن و اماکن متبرکه تحریر کرده بودم افزودم.

و نیز مطالبی را راجع به حدود حَرَم در جهاتی که هم اکنون معروف است، با علامات و نشانه‌هایی که در آن بنیاد شده است آورده‌ام؛ زیرا «ذراعی» که ما در این کتاب آوردیم ذراع یا ذرع آهنی است که در مورد قماش در دیار مصر و حجاز به کار می‌رود. ذراعی که از زرقی در کتاب خود آورده «ذراع» دست می‌باشد.

از آنچه یاد کردیم، چنین نتیجه می‌گیریم که: تعیین حدود حرم به دو صورت و با دو مقیاس اندازه‌گیری مساحت

و طول و عرض انجام گرفته است.

پاره‌ای از مطالبی را که من در این کتاب نگاشتم ویراستهٔ آن در کتاب ازرقی وجود ندارد و باید مطالب عاری از خرده و انتقاد را در آنچه که ما یاد کردیم جستجو کرد.

سپاس خدای را که نوشتار ما فواید پراکنده را توأم با جامعیت به سامان آورده و ان شاء الله مفید و سودمند خواهد افتاد. و با مطالعهٔ آن، می‌توان گفت: با این کتاب از کتاب ازرقی و فاکهی^{۱۰} بی‌نیاز خواهیم بود؛ در حالی که دو کتاب یاد شده کسی را از کتاب ما بی‌نیاز نمی‌سازد. البته فضیلت سبقت و پیشتازی و تحریر و فراهم آوردن مطالب، از آن ازرقی و فاکهی است؛ زیرا آنچه را که این دو یاد کرده‌اند، پی و اساسی است که من کتاب خود را بر آن بنیاد کرده‌ام.

در کتاب محمد بن اسحاق بن عباس فاکهی مکی، اموری جداً سودمند و فراوان وجود دارد که در راستای کتاب ازرقی و در کتابی که ما تألیف کردیم نیامده است. فاکهی و ازرقی در سدهٔ سوم هجری به سر می‌برند و فاکهی به احتمال قوی اندکی از ازرقی متأخر است. و فاصلهٔ زمانی عصر این دو با عصر ما و تألیف این کتاب پانصد و

چهل و یا چند سالی بیشتر است.^{۱۱} پس از فاکهی و ازرقی، در آن راستایی که این دو مطالب را در تاریخ مکه برگزار کرده‌اند، کتابی را احدی تألیف نکرده است. بعد از این دو، در این فرصت زمان دور و دراز، از آن نسخ مطالبی را که به نقل از این دو یاد کردیم، امور فراوانی روی داده است؛ و به همین جهت احاطه به سراسر این امور ناممکن می‌نمود. و ما توان و کوشش خویش را در فراهم آوردن آنها به کار گرفتیم و بر بخشی از آنها دست یافتیم و در دلم نسبت به اموری که نتوانستیم بر آنها دست یابیم احساس حسرت و افسوس می‌نمایم.

من در شگفتم چرا فضلالی مکه بر روال تألیف ازرقی از نگارش تاریخ مکه دریغ و اهمال ورزیده و تألیفی برای تاریخ مکه از خود به جای نگذاشته‌اند، تاریخی که حاوی اطلاعاتی دربارهٔ شخصیت‌های برجستهٔ مردم مکه و ولات و پیشوایان دینی و قضات و خطبا و علما و روات این دیار مقدس باشد، تألیفی که فضلالی دیگر دربارهٔ بلاد خود به سان ازرقی به ارمغان آورده‌اند؛ مانند «تاریخ بغداد» از خطیب بغدادی.^{۱۲} و پس از او «تاریخ دمشق» از ابن عساکر.^{۱۳} و «تاریخ مصر» از قطب

حلبی و جز آنها از کتب تاریخی که دربارهٔ سرزمینهای مختلف نگارش شده‌اند. خداوند متعال توفیق جمع و تألیف قسمتی از این مقوله را نصیب ساخت؛ و انگیزهٔ آن شوق و گرایش بود که شناخت چنین مقوله‌ای را در خود احساس می‌کردم و تواریخ و طبقات و معاجم و مشیخه‌ها^{۱۴} و سایر آثار؛ از قبیل یادداشتهای علما را به تتبع گرفتم و بر بخشی از مطلوب خود دست یافتم. آنگاه امور مناسبی را که باز یافته بودم به ترتیب حروف معجم - جز محمدها و احمدها - مرتب ساختم؛ زیرا کسانی که به این دو نام، موسوم بوده‌اند، مقدم بر دیگران به شمارند؛ چرا که این دو نام، از نامهای پیامبر مصطفی ﷺ می‌باشد. و نام آن حضرت در آغاز کتب تراجم توأم با مقداری از سیرهٔ آن حضرت، به طور فشرده و به منظور تبرک به آن، مذکور است.

در آغاز کتاب، مقدمهٔ لطیف و کم حجمی را تمهید کردم که حاوی مقاصد این کتاب می‌باشد. و در واقع این مقدمه را از مطالب گستردهٔ کتاب تلخیص نمودم؛ زیرا تألیفی که این مقدمه، آغاز آن را تشکیل می‌دهد جامع بخشی از اخبار مکه و آن چیزی است که در آن قابل ذکر است و نیز حاوی مطالبی از اخبار مردم مکه و کسانی



کرده است و از او با تعبیر «وزیر مدینه الرسول» نام برده و در نامه‌ای که زید به ابوالعباس نگاشته، از او چنین یاد کرده است:

این نامه را در کتاب «الجواهر الثمینة علی مذهب آل المدینه» از ابن الشاش مالکی به خط میورقی آورده که آن را بر «وَجْ مکه» وقف کرده و در آن پس از بسمله آمده است: «زید بن هاشم بن علی». آنگاه گفته است:

و بعد، «فقد خدم بها العبد الضعیف فی الثلاثاء، منتصف شعبان و یخطّ المیورقی فوق شعبان ستّ و سبعین و ستمائة»، پس از آن مطالبی را آورده است و آنگاه گفته است: «وقد خطر للضعیف مع المتاعب التي یعانها من کلّ وجه إثبات تاریخ لمکة المشرفة؛ وقد أثبتّ منه إلى الآن نحو خمس کراریس»، این رساله و نامه در اینجا به پایان می‌رسد.

اما من بر چنین کتابی در تاریخ مکه دست نیافتم و نمی‌دانم آن را به چه سبکی نگاشته؛ آیا صرفاً تراجم و شرح احوال است و یا حوادثی است که طی آن مقداری از اخبار مکه و کعبه معظّمه آمده است؟!

ما کتاب خود را «شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام» نامیدیم.

است که همراه با یادکرد نام مردم مکه بدانها اشارتی داشتیم. و این مقدمه را «العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین» نامیدم. آنگاه پس از آن که برای اکثر آن، سیاهه‌ای فراهم آوردم و آنچه را در خزینة ذهنم داشتم تنظیم کردم، آن مقدمه را گسترده‌تر برگزار نمودم و به اندازه نیمی از حجم کتاب را تلخیص کردم و این مطالب تلخیص شده را به «عجالة القرى للراغب فی تاریخ أم القرى» موسوم داشتیم.

از خداوند متعال درخواست می‌کنم توفیق تحریر و پاک‌نوشته این مسوده را برای من هموار و آسان گرداند و برای دیگران و نیز برای خودم سودمند افتد و به خاطر انجام آن پاداشی بزرگ به من ارزانی دارد.

این تألیف و اثری که محتوای آن، تراجم و گزارشها است خالی از دریغکاری و نارسایی نیست؛ علت آن این است که تاکنون اثری را به سان آن و در راستای مسائلی که در آن مطرح کرده‌ام ندیده‌ام. آنچه دیدم این بود که یکی از مورخان، کتابی را در تاریخ مکه نگاشت، و او همان شریف زید بن هاشم بن علی بن مرتضی علوی حسنی است، و ابوالعباس احمد بن علی میورقی^{۱۵} نسب او را بدینسان یاد

پیاوشتها:

- ۶- این جمله هر چند در نسخه‌های «ک» و «م» نیامده و معنای آن طبق گفته ابن تیمیّه این است که مؤلف از رهگذر شفاعت سید المرسلین (علیهم‌السلام) از خدا درخواست عفو می‌کند.
- ۷- ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن ولید بن عقبه بن ازرق، مؤلف کتاب «اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار» که در حدود سال ۲۵۰ هـ. ق. از دنیا رفت. و جلیبی در کشف الظنون، تاریخ وفات او را به سال ۲۲۳ هـ. ق. یاد کرده است. و صاحب کتاب «دستور الإعلام» - که نسخه‌ای خطی است - یعنی ابن عزم تونسی می‌گوید: ازرقی در سال ۲۲۲ هـ. ق. از دنیا رفت بسیاری از مورخان در خلال تاریخ، کتاب ازرقی را تلخیص کرده‌اند و کتاب مذکور، محور اساسی مطالعه مورخان درباره اخبار مکه به شمار است.
- ۸- رباط، که جمع آن، «رُبَط» می‌باشد، عبارت از ساختمانی است که افراد خیر و نیکوکار برای سکنای تهیدستان که بر آنها در روزگار جفا رفته - اعم از اهل مکه و جز آنها - بنا کرده‌اند. شماری از این بناها ویژه زنان و شماری دیگر ویژه مردان بوده است. در مکه تعداد زیادی از این رباطها وجود دارد، تا آنجا که محله‌ای در مکه دیده نمی‌شود که در آن رباطی نساخته باشند. رباط در اصل قلعه و حصاری بوده است که در درون آن مجاهدان فی سبیل الله گردهم می‌آمدند و اینگونه بناها ویژه مسلمانان است.
- ۹- کتاب شفاء الغرام بعد از کتاب ابی‌الولید ازرقی تألیف شده، و آنگاه ابن‌ظهیره قرشی به سال ۹۵۰ هـ. ق. کتاب «الجامع اللطیف فی فضل مکه و أهلها و بناء البیت الشریف» را نگاشت؛ چنانکه قطبی حنفی (۹۸۸ م. ق.) کتاب «تاریخ القطبی» را که به «الإعلام بأعلام بیت‌الله الحرام» را تألیف کرد و آن را در ۹۸۴ هـ. ق. به پایان برد. پس از آن، کتابهای زیادی در زمان معاصر راجع به مکه و بیت‌الله الحرام نگاشته شد؛ از آن جمله‌اند: کتاب «تاریخ عمارة البیت الحرام» از حسین بن عبدالله باسلامه؛ چنانکه همین مؤلف کتاب «تاریخ الکعبة العظیمه» را تألیف کرد؛ بدینسان احمد سباعی کتاب «تاریخ مکه» را ساخت که در سال ۱۳۷۲ هـ. ق. آن را منتشر کرد. این کتب، مراجع ارزشمندی درباره بلد الحرام می‌باشد و همه نویسندگان آن از مردم مکه هستند.
- ۱۰- تاریخ تولد فاکهی معلوم نیست. وی حدود سال ۲۸۰ هـ. ق. یعنی سی سال بعد از ازرقی زاده شده و نسخه‌ای از کتاب او در یکی از کتابخانه‌های اروپا وجود دارد، و به گمانم در «نجد» نیز نسخه دیگر از این کتاب وجود داشته باشد. راجع به اخبار مکه کسی جز واقدی (م ۲۰۷ هـ. ق.) و مدائنی (۱۲۵ - ۲۲۵) و زبیر بن بکار (۱۷۲ - ۲۵۶ هـ. ق.) و عمرو بن شبة (۱۷۲ - ۲۶۲ هـ. ق.) و ازرقی (م ۲۵۰ هـ. ق.)، پیشنهاد نیست.
- ۱۱- فاسی نویسنده همین کتاب «شفاء الغرام»، به سال ۷۷۵ هـ. ق. زاده شد و در سال ۸۳۲ هـ. ق. از دنیا رفت و کتاب یاد شده را در سال ۸۱۶ هـ. ق. تألیف کرد.
- ۱۲- خطیب بغدادی به سال ۴۰۶ هـ. ق. از دنیا رفت و کتاب او مأخذ و منبع مهمی در تاریخ بغداد می‌باشد.
- ۱۳- ابوالقاسم ثقة‌الدین علی بن ابی‌محمد الحسن بن هبة‌الله بن عبدالله بن حسین دمشقی شافعی، معروف به «ابن عساکر» که در محرم ۳۹۹ هـ. ق. متولد شده و در رجب ۵۷۱ هـ. ق. از دنیا رفت. وی دارای آثار فراوانی در حدیث است؛ و اهم کتب او عبارتند از: «التاریخ الکبیر لدمشق» که کتابی مشهور و در چند مجلد است. (بنگرید به: هدیه‌العارفین فی أسماء المؤلفین و آثار المصنفین؛ از اسماعیل پاشا بغدادی، مجلد اول، ط استانبول).



۱۴ - معاجم عبارت از کتبی است که طبق حروف معجم (هجاء) تصنیف شده‌اند. مشیخات از سنخ همان معاجم است با این تفاوت که در معاجم مشایخ عیناً به ترتیب حروف معجم تنظیم شده، بر خلاف «مشیخات». حافظ ابن حجر می‌گوید: مشیخه به عنوان علم بر جزوه‌هایی اطلاق می‌شود که شیوخ در آن فراهم می‌آیند. و این واژه، اصطلاحی کهن است.

۱۵ - مَيُورُفَه - که در «قاف» و «را»ی آن النقاء ساکنین دیده می‌شود - جزیره‌ای است در شرق اندلس (بنگريد به معجم البلدان، حرف میم) این دانشمند؛ یعنی میورقی، ابوالعباس احمد بن علی میورقی مالکی است که در آخر ذی‌حجه ۶۷۸ هـ. ق. از دنیا رفته و در مقبره ابن عباس روبه‌روی مسجد عباسی در بیرون آن به خاک سپرده شده است. وی را رساله‌ای است درباره «طائف» که «بهجة المهج في بعض فضائل الطائف ووج» نامبردار است و نسخه‌ای خطی از آن وجود دارد.

